

مرگ مرموز در آتش

گروه حوادث/ کشف جسد سوخته مرد جوان در حریق عمدی آپارتمان طبقه هفتم، دو فرضیه را پیش روی بازپرس جنایی قرار داد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۴:۳۷ با مبادا شنبه ۷ آبان گزارش آتش سوزی یک ساختمان ۷ طبقه در خیابان اشرفی اصفهانی، خیابان خسته پور به آتش نشانی اعلام شد. با حضور سه ایستگاه آتش نشانی، امدادگران دریافتند واحد طبقه هفتم در حال سوختن است و شعله از پنجره‌های شکسته به بیرون زبانه می کشد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران گفت: در طبقه هفتم این ساختمان یک واحد ۹۰ متری بود که آتش سوزی در آن رخ داده بود، با توجه به شکستن شیشه‌ها احتمال می رفت انفجار کوچکی نیز رخ داده باشد. پس از اطفای حریق با جسد مردی حدوداً ۴۵ ساله مواجه شدیم که موضوع به پلیس و اورژانس اعلام شد.

با گزارش کشف جسد سوخته از سوی مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض به بازپرس محمدرضا صاحب جمعی تحقیقات تیم جنایی شروع شد. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت مرد جوان روی تختی در اتاق نشیمن بوده که بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست داده است. همسایه‌ها در تحقیقات مدعی شدند مرد جوان با برادرش اختلاف شدیدی داشته و بارها صدای درگیری آنها را شنیده‌اند. این در حالی بود که متوفی سابقه خودکشی نیز در پرونده خود داشت.

باتوجه به اینکه کارشناسان آتش نشانی اعلام کردند که حریق عمدی بوده است، دو فرضیه از سوی بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران مطرح شد؛ نخستین فرضیه قتل مرد جوان و حریق عمدی بوده و دومین فرضیه خودکشی است. بنابراین تحقیقات برای برپایی راز مرگ مرموز مرد تنها به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

تلاش خانواده یک زندانی برای آزادی هم سلولی



گروه حوادث-مرجان همایونی/ دانشجوی دکترا که به اتهام قتل دوستش به زندان افتاده بود زمانی که متوجه شد هم سلولی اش می تواند با پرداخت ۲۳۳ میلیون تومان از زندان آزاد شود، از مادرش خواست تا با تهیه این پول مقدمات آزادی او را فراهم کند.

به گزارش «ایران»، زن جوانی هفته گذشته در حالی که برگه‌ای به دست داشت وارد شعبه سوم اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران شد و در مقابل دادیار حسین گودرزی قرار گرفت. این اولین باری نبود که به دادسرا می آمد، اما این بار با دفعات قبل فرق داشت.

آمده بود تا با پرداخت دیه هم سلولی پسرش را آزاد کند. پسرش سامان، دانشجوی نخبه مقطع دکتری یکی از دانشگاه‌های دولتی ایران بوده که خرداد سال ۹۹ به اتهام قتل دوستش بازداشت شد. پسر جوان به بازپرس جنایی گفته بود از دوران دبیرستان زیاد به آزمایشگاه می رفته و محلول‌های شیمیایی را با هم ترکیب می کرده بود تا مدت‌ها با ترکیب مواد به یک محلول شیمیایی رسیده که اعتیاد آور بود و خودش از آن استفاده می کرد. آخرین بار هم آن را با آمیبیو مخلوط کرده و در یخچال خانه گذاشته بود اما دوستش شهاب که مهمان خانه‌اش بوده ناغافل آن را سر کشیده و حالش بد شده و سپس فوت کرده است.

سامان به اتهام قتل عمدی محاکمه شد اما قضات دادگاه با توجه به مدارک موجود در پرونده او را از اتهام قتل عمدی تبرئه و به بدلیل قتل شبه عمد به پرداخت دیه محکوم کردند.

با صدور رای از سوی دادگاه کیفری یک استان تهران، اولیای دم به حکم اعتراض داده و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد. قضات دیوان عالی با اعتراض اولیای دم، با اعلام نطق در حکم پرونده را برای رسیدگی دوباره به دادگاه بازگرداندند. در ادامه بررسی‌ها، این بار قضات دادگاه حکم بر قتل عمد سامان دادند.

۱۰۰ میلیون تومان در ابتدا پرداخت می کرد. بدین ترتیب با گذشت بیش از ۱۰ سال از جنایت و تحمل سال‌های حبسی که دادگاه برای خسرو کریم بر گرفته بود، مرد میانسالی باید از زندان آزاد می شد. اما چون توانایی پرداخت ۲۳۳ میلیون تومان، مبلغ دیه مادر مقتول و مردی را که قطع کمک کند تا آزاد شود. به من اجازه دیدن خسرو در صحنه قطع شدن برق از قطع کردن او خسرو درگیر شدند. مرد میانسالی هم در این درگیری برای دفاع از خود و خانواده‌اش دست به چاقو شد. این درگیری با مرگ یکی از برادران میثم و قطع نخاع برادر دیگرش پایان یافت.

مرد جوان بلافاصله بازداشت شد اما قضات دادگاه کیفری با توجه به مدارک موجود در صحنه قطع شدن برق توسط مقتول و برادرش دفاع خسرو از خانواده‌اش، حکم را دفاع مشروع اعلام کردند. بدین ترتیب مرد میانسالی به پرداخت دیه مقتول و ۱۰ سال حبس و به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان (به مبلغ دیه امسال) و ۵ سال حبس در حق برادر میثم که قطع نخاع شده بود، محکوم شد.

کمک برای نجات هم سلولی پس از چند سال همسر و دختر مقتول از سهم دیه خود گذشت کردند اما مادر مقتول همچنان خواهان دریافت سهم دیه خود بود. سهمی که طبق محاسبات سالانه ۱۳۳ میلیون تومان بود. از طرفی خسرو در مورد پرداخت دیه مردی که دچار قطع نخاع شده بود درخواست امداد داد و دادگاه این مبلغ را تقسیم کرده اما خسرو باید

افتاد به سرعت او را سوار خودروام کردم تا به بیمارستان برسانم اما چون او بیماری قلبی داشت در میانه راه فوت کرد و من هم از ترسم جنازه‌اش را به پردیس بردم و همانجا رها کردم.

پس از اعترافات صریح متهم و تکمیل تحقیقات برای بهنام کیفرخواست اتهام قتل عمد و برای مریم اتهام معاونت در قتل عمد صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه دادگاه خواهر و برادرهای مقتول به عنوان اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند. در ادامه وکیل اولیای دم به جایگاه رفت و گفت: ما معتقدیم که این جنایت با برنامه‌ریزی قلبی صورت گرفته چرا که جسد مقتول بدون لباس کشف شده و این موضوع نشان می دهد که آنها مقتول را در خانه‌اش به قتل رسانده‌اند و بعد با قصه پردازی چنین اعتراضاتی را مطرح کرده‌اند و موکل‌های من به هیچ عنوان حاضر به مصالحه نیستند.

سپس دو متهم که با قرار وثیقه آزاد بودند یک به یک به جایگاه رفتند. افتاد به سرعت او را سوار خودروام کردم تا به بیمارستان برسانم اما چون او بیماری قلبی داشت در میانه راه فوت کرد و من هم از ترسم جنازه‌اش را به پردیس بردم و همانجا رها کردم.

مرد جنایتکار منکر قتل شد در دادگاه

گرفتم اما به نتیجه نرسیدم و در نهایت تصمیم گرفتم از پلیس کمک بخواهم. پس از اظهارات این زن مأموران تحقیقات خود را برای یافتن مرد ناپدید شده آغاز کردند و چند روز بعد گزارش کشف یک جسد در نخاله‌های اطراف شهر پردیس به مأموران گزارش شد که مشخصات آن با مرد ناپدید شده شباهت زیادی داشت از این رو همسر وی با مشاهده جسد هویت همسرش محمود را تایید کرد.

مأموران در گزارش کشف جسد اعلام کرده بودند که مقتول لباسی بر تن نداشته و به نظر می رسد در محل دیگری به قتل رسیده و سپس به درون نخاله‌ها انداخته شده است. در ادامه تحقیقات برای کشف راز این جنایت مأموران به رفتارهای همسر محمود مشکوک شده و با بررسی تلفن همراهش متوجه شدند که وی از چند ماه قبل با مرد غریبه‌ای به نام بهنام ۳۶ ساله

به دوست و آشنا گفتم. من دو پسر دارم و پسر دیگر هم مثل سامان نخبه است و در یک شرکت کار می کند. با کمک او این مبلغ را فراهم کردم و حالا اینجا آمده‌ام تا فیش‌های واریزی را بدهم تا خسرو آزاد شود. او ادامه داد: فقط برای رضای خدا این کار را انجام دادم و امیدوارم خداوند به پسر خود هم کمک کند تا آزاد شود. به من اجازه دیدن خسرو نمی دهند، اما دوست دارم بعد از آزادی او را ببینم. دوست دارم خوشحالی را در چهره انسان‌ها ببینم، ما بعد از آزادی هم خسرو را رها نمی کنیم. چون مدت زیادی است که در زندان بوده کمک نیکوکاران، این مبلغ را فراهم کرده و با پرداخت آن، مقدمات آزادی هم سلولی پسرش را فراهم کرد.

آزادی بعد از ۱۲ سال زن میانسالی به خبرنگار «ایران» گفت: زمانی که پسرم با من تماس گرفت و از من خواست اگر می توانم این مبلغ را فراهم کنم، ماجرا را

در ابتدا بهنام در دفاع از خودش گفت: من اتهام قتل عمد را قبول ندارم، محمود بیماری قلبی داشت و در جریان درگیری خیابانی حالش بد شد. آن روز از ترس اینکه کسی من را از روی اثر انگشتم شناسایی کند لباس هایش را در آوردم.

قاضی از متهم سؤال کرد: چرا در بازجویی‌های اولیه سعی داشتی موضوع را پنهان کنی؟ متهم جواب داد: مریم به من گفته بود جسد شوهرش در حالی که چاقو خورده در حاشیه تهران پیدا شده است. من هم فکر کردم فرد دیگری محمود را کشته چون من به او چاقو نرذم به همین خاطر در ابتدا قضیه را پنهان می کردم. شما گزارش پزشکی قانونی را هم ببینید مشخص است که او سال‌های زیادی بود که از بیماری قلبی رنج می برد و او سخته کرد.

پس از متهم ردیف اول مریم به جایگاه رفت و گفت: من دخالتی در مرگ شوهرم نداشتم و نمی دانم چه کسی او را به قتل رسانده است. از این رو اتهامم را قبول ندارم. با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رای وارد شور شدند.



دکتر بهنوش بهمنی



ماتده جوانفر

به صورت اورژانسی کار می کرد و قبل از این اتفاق حتی به شهر لاهیجان برای احیای بیماری رفته بود و روز حادثه در گردنه کوئین استان قزوین به رشت به دلیل خستگی تصادف کرد که بعد از انتقال وی به بیمارستان قزوین فوت شد. وی خیرهای فضای مجازی که مرگ او را به خاطر درگیری با مأموران در رشت بیان می کند تکذیب کرد و گفت: دخترم مانند در درگیری‌های اخیر به هیچ عنوان حاضر نشد و ایشان جزو پرستارانی محسوب می شد که در دوران کرونا فعالیت‌های فداکارانه‌ای داشتند.

پدر مانند در ادامه گفت: حتی در مراسم خاکسپاری دخترم، یک جوان ناشناس عکسی از ایشان را که شخصی و در شان دخترم نبود از رشت به همراه خود آورده بود و وی تصریح کرد: در مراسم

عمومی و انقلاب مرکز استان گیلان درمورد فوت مانده جوانفر در شهرستان رشت، اظهار کرد: این خانم پرستار شاعلی در گیلان بوده که در اثر تصادف در اتوبان رشت به قزوین جان خود را از دست داده است و فوت وی هیچ ارتباطی با تجمعات و اغتشاشات اخیر ندارد و شایعه کشته شدن وی مانور دشمن برای انحراف آذهان عمومی و فسادسازی منفی است. همچنین، طبق گزارش پلیس راهور افسر کارشناس علت فوت را ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه ناشی از خطای در سرعت مطمئنه برابر ماده ۱۲۹ آیین نامه راهور تشخیص داده که مصدوم پس از انتقال به بیمارستان شهید رجایی قزوین به علت شدت جراحات وارده فوت کرد. این در حالی است که رسانه‌های ضد انقلاب مدعی شده‌اند، دختر

۲ سانحه رانندگی مرگبار برای خانم دکتر و پرستار جوان

کشور در این باره گفت: دکتر پریسا بهمنی متخصص جراحی عمومی به‌ر اثر تصادف جان باخته است و خبر کشته شدن وی توسط مأموران امنیتی صحت ندارد. دکتر بهمنی عضو سازمان نظام پزشکی زنان بود و بر اساس اظهارات سازمان نظام پزشکی شعبه زنان، وی در سانحه رانندگی جان خود را از دست داده و مراسم خاکسپاری این مرحومه نیز برگزار شد. وی تأکید کرد: البته پزشکی قانونی در حال بررسی مرگ دکتر بهمنی است و بزودی نتیجه آن در رسانه‌ها

کشور در این باره گفت: دکتر پریسا بهمنی متخصص جراحی عمومی به‌ر اثر تصادف جان باخته است و خبر کشته شدن وی توسط مأموران امنیتی صحت ندارد. دکتر بهمنی عضو سازمان نظام پزشکی زنان بود و بر اساس اظهارات سازمان نظام پزشکی شعبه زنان، وی در سانحه رانندگی جان خود را از دست داده و مراسم خاکسپاری این مرحومه نیز برگزار شد. وی تأکید کرد: البته پزشکی قانونی در حال بررسی مرگ دکتر بهمنی است و بزودی نتیجه آن در رسانه‌ها

گروه حوادث/ همزمان با فوت خانم دکتر متخصص جراحی عمومی و یک خانم پرستار در ۲ پرونده جداگانه در حالی که رسانه‌های معاند علت فوت آنها را کشته شدن در اغتشاشات اعلام کرده بودند اما بررسی‌ها نشان داد آنها در سانحه رانندگی جان باخته‌اند. **مرگ خانم دکتر در تصادف** همزمان با مرگ یک خانم پزشک، مدیر روابط عمومی سازمان نظام پزشکی کل کشور علت مرگ را سانحه رانندگی اعلام کرد. دکتر رضا لاری پور، مدیر روابط عمومی سازمان نظام پزشکی کل



خودروی پرستار جوان

به‌دنبال برهم زدن مراسم بود که همسر، (مادر مانده) با ناراحتی عکس دخترم را از ایشان گرفت. وی تصریح کرد: در مراسم

خاکسپاری دخترم یک دختر جوان ناشناس نیز شروع به دادن شعار کرد که با برخورد از سوی خانواده، محل خاکسپاری را ترک کرد.